

فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی

دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا

شماره دوم - تابستان ۱۳۸۸

صص ۱۵۴ - ۱۳۹

پارادوکس نفت و توسعه در ایران

محمد شریفی^۱

تاریخ دریافت: ۸۸/۵/۲۷

تاریخ تصویب: ۸۸/۶/۸

چکیده

در قرن بیستم، دوره استعمار نوین، سیاست کشورهای صنعتی و استعمارگر برای به دست آوردن ثروت‌های ملی و منابع کشورهای کمتر توسعه یافته بر این قرار گرفت که با استفاده از ابزارهای سیاسی، اقتصادی و نظامی، اقتصاد این کشورها را به یک اقتصاد تک‌محصولی تبدیل کنند و با وابسته شدن اقتصاد آنها به یک محصول در صورت لزوم با فشار اقتصادی، آن کشورها را مهار نمایند و منابع آنها را به چنگ آورند و راه رسیدن مواد اولیه ارزان و سوخت مناسب برای کشور خویش را همواره در اختیار داشته باشند.

در ایران، نفت این نقش را از دهه‌های پیشین در اقتصاد بازی می‌کند. شواهد تاریخی اقتصاد ایران نشان‌دهنده خواست و اراده سیاستگذاران ایران برای ایجاد تحول در حوزه نفت به توسعه اقتصادی و اجتماعی در گذشته و حال است. ابتلای اقتصاد ایران به بیماری هلندی نتیجه مستقیم کسب و صرف درآمدهای نفتی است. تغییر

۱. دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل و مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا.

نگرش از درآمدی به سرمایه‌ای در مورد نفت، آغازی برای تبدیل آثار زیان‌بخش به آثار سودبخش اقتصاد نفتی است.
واژه‌های اساسی: اقتصاد سیاسی، درآمدهای نفتی، رشد و توسعه، اقتصاد نفتی ایران، بیماری هلندی، حقوق مالکیت.

مقدمه

شناخت مسائل بین‌المللی بدون درک روشن از چگونگی ارتباط سیاست و اقتصاد، بسیار دشوار و شاید ناممکن باشد. پیوند اقتصاد و سیاست به حدی وسیع است که ما شاهد تأثیر چشمگیر آن در مذاکرات سیاسی بین‌المللی بر روش زندگی و کار مردم هستیم. تمامی کشورها درگیر نوعی اقتصاد جهانی مبتنی بر تولید و فناوری رقابتی شده‌اند که ممکن است بنیان جامعه آنها را به لرزه در آورد. قدرت نظامی و سیاسی هر کشور در سطح بین‌المللی تا حد زیادی در گرو پویایی اقتصادی آن است و این واقعیتی عام در امور جهانی است. سرشت و قلمرو مشارکت یک کشور در اقتصاد جهانی از تصمیمات سیاسی که در داخل مرزهای آن گرفته می‌شود به شدت متأثر است. وجوه سیاسی همکاری و رقابت در صحنه‌های جهانی (اقتصاد جهانی) هرگز از یکدیگر قابل تفکیک نیستند. فرایندهای مبارزه، رقابت و همکاری که همواره عناصر اصلی روابط بین‌المللی را تشکیل می‌دهند، به شکلی فزاینده به استعداد کشورها برای تولید ثروت و نوآوری فنی و نیز حمایت از مؤسساتی معطوف شده است که توانایی سازگاری سریع با محیط در حال تحول را دارند. مسائلی از قبیل فروپاشی قدرت شوروی، افول کمونیسم، پایان جنگ سرد، رکود اقتصادی و بحران مالی در غرب توجه به حلقه‌های درهم بافته سیاست و اقتصاد بین‌المللی را بیش از پیش ضروری کرده است. اقتصاد بین‌المللی^۱ و اقتصاد داخلی با یکدیگر در ارتباط هستند و محیط بین‌المللی تصمیمات ملی را محدود می‌سازد یا هدایت می‌کند. کشورها می‌کوشند زمام اقتصاد خود را در دست داشته باشند و در عین حال از منافع تجارت بین‌المللی نیز بهره‌مند شوند. در

1. International Economics

کشور ما نفت نقشی اساسی در اقتصاد بازی می‌کند. در طول تاریخ این ماده حیاتی که به حق (طلای سیاه) نام گرفته است، به‌عنوان یکی از منابع اصلی درآمد دولت در اقتصاد کشور مطرح بوده است. بیش از ۸۰ درصد از درآمدهای ارزی ایران از طریق فروش نفت به دست می‌آید (موسوی، ۱۳۸۴: ۱۴۱). پرسش اصلی در این پژوهش این است که چرا با توجه به درآمدهای سرشار نفتی در گذشته و حال، ایران به توسعه پایدار اقتصادی دست نیافته است؟

بخش نفت در ایران به دلیل نقش دوگانه‌ای که در «تأمین انرژی مورد نیاز برنامه‌های توسعه اقتصادی کشور» از یک سو و «تأمین نیازهای ارزی این برنامه‌ها» از سوی دیگر به عهده دارد، نیروی محرکه و بخش اساسی اقتصاد ملی محسوب می‌شود. در عرصه بین‌المللی هم، بخش نفت تا آینده دور از مهمترین عوامل تعیین‌کننده موقعیت بین‌المللی کشور خواهد بود و تأثیرگذاری آن نیز نقش القایی مؤثری در گسترش فعالیتهای بخش‌های دیگر اقتصاد کشور خواهد داشت. کاهش تدریجی وابستگی دولت به درآمدهای نفتی، ایجاد نگاه سرمایه‌ای به منافع نفتی، ایجاد فرهنگ کار در مقابل فرهنگ رانتی و تقویت شبکه‌های اجتماعی موجود (اتاق‌های بازرگانی، صنایع و معادن، اصناف و اتحادیه‌ها) و ایجاد شبکه‌های اجتماعی نوین (اتاق فکر و مرکز هم‌اندیشی) ضامن ایجاد فرصتهای شغلی دایمی به‌منظور توسعه پایدار اقتصادی است و اقتصاد ما را از بیماری هلندی نجات می‌دهد.

وعده‌ها و آرزوهای سیاستگذاران ایران در آئینه تاریخ

هدف اصلی و مستقیم تمام قراردادهای و مبادلات اقتصادی کسب حداکثر سود است. با این حال فلسفه توجیه‌کننده، افزودن بر کسب سود نیز وجود دارد که همراهی و مشروعیت اجتماعی قرارداد را به دنبال می‌آورد. به علت ماهیت شبه عمومی نفت در ایران و درآمدهای قابل توجه نفتی، فلسفه اقتصادی^۱ قراردادهای نفتی از جایگاه و اهمیت تأثیرگذاری در اقتصاد ایران در گذشته و حال برخوردار است. بررسی روند

1. Economic Philosophy

تاریخی فلسفه اقتصادی قراردادهای و شرایط حوزه نفت جهتگیری و عمق تفکر و تعمق و حتی آرزوهای ایرانی را در سیاستگذاری‌های اقتصادی تبیین می‌نمایند. از این رو برخی رویدادهای مهم تاریخ اقتصادی ایران از بعد داخلی مورد بازشناسی قرار می‌گیرد. ۱. نخستین قرارداد نافذ با موضوع استخراج نفت ایران در سال ۱۲۵۰ خورشیدی در زمان ناصرالدین شاه و صدارت مشیرالدوله با رویتر انگلیسی منعقد گردید. مشیرالدوله که از علاقه‌مندان تمدن غرب به‌شمار می‌آمد، هدف بازسازی اقتصاد ایران به‌ویژه احداث راه آهن را - به‌عنوان مظهر توسعه اقتصادی - در پی قرارداد رویتر دنبال می‌نمود. اگرچه با عملی شدن قرارداد رویتر کشور ایران از بدبختی و فلاکت نجات می‌یافت (فرشادگهر، ۱۳۸۱: ۲۶).

۲. نفوذ غرب در ایران از سال ۱۱۷۹ خورشیدی با فشار نظامی روس و انگلیس و سپس اخذ امتیازات راهبردی اقتصادی آغاز گردید. پذیرش شرایط غیرمنصفانه قراردادهای گوناگون اقتصادی سبب تضعیف صنایع داخلی و در نهایت منجر به نهضت مشروطیت در سال ۱۲۸۵ خورشیدی گردید. به زبان اقتصادی پیدایش نهضت مشروطیت متأثر از تغییر پیوسته و غیرساختارمند چارچوب حقوق مالکیت^۱ است. شواهد اقتصادی رخداد نهضت مشروطیت در یک تقسیم‌بندی به دو وجه نارسایی‌های اقتصادی درونی و بیرونی باز می‌گردد. هزینه‌های هنگفت دربار و سفرهای تجملی شاه به اروپا، دریافت مالیات‌های بیدادگرانه و در نتیجه افزایش تورم (به‌ویژه در اقلام خوراکی) و بیکاری در دسته نارسایی‌های درونی (فرشادگهر، ۱۳۸۱: ۵۹) و اخذ رشوه توسط دولتمردان قراردادهای اقتصادی (نفتی و غیرنفتی) در دسته نارسایی‌های بیرونی قرار می‌گیرند. بدین جهت خواسته‌های مشروطه‌خواهان در تبدیل نظام پادشاهی مطلقه به نظام پادشاهی مشروطه پیگیری می‌شد. نظام پادشاهی مشروطه افزون بر نهاد دربار، شامل قوای سه‌گانه مجریه، مقننه (مجلس شورای ملی) و قضاییه (عدالتخانه) است تا ساخت‌دهی مجدد حقوق مالکیت برای بازتوزیع ثروت و درآمد ساده نباشد.

۳. تا دهه ۱۳۲۰ خورشیدی قراردادهای نفتی حول نظام واگذاری امتیاز نفت در مقابل

1. Property rights

دریافت حق‌الامتياز (مبلغ ثابت) و درصد کمی از سود خالص^۱ منعقد می‌گردید. هر جا نفت پیدا می‌شد، تسلط کل زنجیره تولید از تصمیم‌گیری عملیات و اکتشاف تا تصفیه و حتی بازاریابی به شرکت‌های نفتی واگذار می‌شد. زیرا کشورهای نفتی هیچ‌کدام مهارت، فناوری و شبکه‌های بازاریابی لازم را برای بهره‌برداری از منابع نفتی خویش بدون کمک خارجی نداشتند (لارسون و اسکیدمور، ۱۳۸۳: ۲۴۰). تحرک رسمی در ایران^۲ برای تغییر قراردادهای امتیازی با تصویب ملی شدن صنعت نفت توسط مجلس شورای ملی (۲۴ اسفند ۱۳۲۹ خ) و مجلس سنا (۲۹ اسفند ۱۳۲۹ خ) و اعلام قانون ملی شدن صنعت نفت به همت محمد مصدق (۱۱ اردیبهشت ۱۳۳۰) آغاز گردید. عدم انطباق شرکت نفت انگلیس و ایران با شرایط نوین بازار نفت، رویارویی بین‌المللی را بر ایران تحمیل نمود. محمد مصدق نخست‌وزیر وقت هدف اقتصادی ملی شدن صنعت نفت را چنین بیان می‌کند: «با درآمد نفت تمام نیازهای بودجه تأمین می‌شود. می‌توانیم با فقر، بیماری و عقب‌افتادگی مردمان مبارزه کنیم.» (فوران، ۱۳۸۰: ۴۲۸) بنابراین فلسفه اقتصادی نهضت ملی شدن صنعت نفت کسب درآمدهای بیشتر نفتی از طریق بازتعریف حقوق مالکیت و رشد و توسعه اقتصادی از طریق هزینه درآمدهای نفتی است.

کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و برکناری مصدق پایانی بر نهضت ملی شدن نفت نبود. ایران توانست با عقد قرارداد با کنسرسیوم، اعمال حاکمیت بر منابع ملی نفت را عینیت بخشد و در عین حال منافع قراردادهای پنجاه - پنجاه را دریافت نماید (فوران، ۱۳۸۰: ۴۶۳).

۱. عایدات کشورهای نفت‌خیز از قراردادهای امتیازی نفت به علت عدم شفافیت ترازنامه شرکت‌های نفتی دقیقاً مشخص نیست، اما براساس آمارهای منتشر شده درصد کل عایدات کشورهای نفتی از ۵ تا حداکثر ۲۵٪ با توجه به وابستگی به خارجی‌ان نفوذ شرکت‌های خارجی در هیأت حاکمه و شرایط بین‌المللی در نوسان بوده است.

۲- شرکت‌های نفتی آمریکایی قبلاً قرارداد تقسیم سود بر مبنای پنجاه - پنجاه با عربستان و ونزوئلا را در اواخر دهه ۱۳۲۰ امضا کرده بودند.

۴. جهش درآمدهای نفتی ایران بدون افزایش تولید در سال ۱۳۵۳ به وقوع پیوست.^۱ درآمدهای نفتی، تفکر احیای اقتصاد ایران را دوباره پیش کشید. شرایط دوقطبی جهان ناشی از جنگ سرد، شرایط ژئوپولیتیک ایران و منافع اتحاد راهبردی با غرب در رشد و توسعه اقتصادی منجر به اتخاذ الگوی توسعه مبتنی بر درهای باز اقتصادی توسط سیاستگران ایرانی گردید. چشم‌انداز انتقال ایران از حاشیه اقتصاد جهانی (پیرامون) به متن اقتصاد جهانی^۲ (مرکز) زیرعنوان «پیش به سوی تمدن بزرگ شرق» تعریف گردید. براساس چشم‌انداز پیش به سوی تمدن بزرگ شرق، اقتصاد ایران برای دستیابی به هدف کمی «پنجمین قدرت صنعتی دنیا» (کاتوزیان، ۱۳۷۴: ۳۷۶) تلاش می‌نمود.

۵. مصاحبه ریزن اقتصادی آیت‌الله خمینی با روزنامه پاریس: «نخستین اقدامی که در صورت داشتن مسئولیت اقتصادی کشور انجام خواهد داد، ملی کردن واقعی نفت ایران است. برای داخلی کردن مرکز تصمیم‌گیری اقتصاد ایران باید طبیعت واردات را دگرگون و نفت را به سیاست عمرانی پیوند داد.» (روزنامه کیهان، ۱۴، بهمن ۱۳۵۷). انقلاب ۱۳۵۷ با ساقط کردن نظام پادشاهی پهلوی عینیت یافت. برطبق اعتقاد اقتصادی انقلابیون با لغو قراردادهای پرهزینه خرید تسلیحات نظامی، تعطیل هزینه‌های درباریان، اخراج مستشاران خارجی با حقوق‌های گزاف و غیره، درآمد نفت ضامن رفاه و آبادانی کشور می‌گشت. چنانکه وزیر امور اقتصاد و دارایی برنامه اقتصادی دولت موقت را چنین تشریح می‌کند: «ما درصددیم درآمد نفت در انحصار کارهای تولیدی، بهبود وضع اقتصادی و رشد مملکت باشد.» (روزنامه کیهان، ۵ اسفندماه ۱۳۵۷). توزیع عادلانه‌تر ثروت‌ها، عدالت‌خواهی و محرومیت‌زدایی با احترام به جایگاه خاص مستضعفان بخشی از مطالبات و برنامه‌های تحول‌آور اقتصادی انقلابیون را تشکیل می‌داد. در این میان نفت نقش مهمی برای تحقق اهداف بنیادی انقلابیون ایفا می‌نمود. اعتقاد و برآورد انقلابیون از نیازهای درآمدی و هزینه‌ای دولت منتج به نفی، اخراج و ممانعت از انجام کار سرمایه‌گذاران خارجی و کاهش ۵۰ درصدی صادرات نفتی (رزاقی، ۱۳۷۶: ۱۸۴)

۱- درآمدهای نفتی ایران بدون افزایش تولید در سال ۱۳۵۳ چهار برابر درآمد سال ۱۳۵۲ گردید (کاتوزیان، ۱۳۷۴: ۲۶۶).

۲- اقتصادهای ملی در سه دسته پیرامون، نیمه پیرامون و مرکز طبقه‌بندی می‌شوند.

به لحاظ عدم برخورداری از توان فنی ارزشمند داخلی و حفظ ثروت نفت برای نسل‌های آینده گردید. بنابراین کسب و صرف بخشی از درآمدهای صنعت نفت برای توزیع در اهداف توسعه اقتصادی کافی و منطبق بر معیارها و فلسفه اقتصادی انقلابیون قرار داشت.

۶. تبلیغات نامزدهای انتخابات نهمین دوره ریاست جمهوری در بهار ۱۳۸۴ در شرایطی آغاز شده بود که درآمدهای نفتی ایران با همان سطح تولید گذشته نسبت به سالهای قبل، از رشد چشمگیری برخوردار بود. محمود احمدی‌نژاد نامزد و پیروز انتخابات نهمین دوره ریاست جمهوری مهمترین برنامه دولت خود را تغییر ساختار اقتصادی کشور معرفی کرد (روزنامه کیهان، ۲۴ اردیبهشت، ۱۳۸۴) بر طبق برنامه اقتصادی محمود احمدی‌نژاد، انجام مدیریت مجدد و کارآمد درآمدهای نفتی منجر به ارتقای کیفیت زندگی اقتصادی شهروندان ایرانی به شکل عینی و قابل لمس می‌گردید.

ارائه شش شاهد تاریخی از ادوار مختلف سیاسی نشان‌دهنده خواست دولتمردان ایران برای ایجاد تحول در حوزه نفت است. منظور بیشتر دولتمردان ایران از کسب و صرف درآمدهای نفتی دستیابی به یک هدف مشروع و والای اجتماعی یعنی توسعه اقتصادی در گذشته و حال است. همچنین اعتقاد و باورمند بودن به خاصیت معجزه‌آسای نفت و نوشداروی هر نوع عقب‌ماندگی تاریخی در توسعه اقتصادی ایران شاخصه مشترک بسیاری از سیاستگران ایران بوده است. با وجود این امروزه با گسترش علم اقتصاد و شناسایی بیماری هلندی^۱ مشخص شده است که نمی‌توان با استفاده بلندمدت از درآمدهای نفتی (به معنای اتکای محض به درآمدهای نفتی) به توسعه اقتصادی پایدار دست یافت و این دقیقاً پارادکسی اجتماعی در مورد نفت است.

مفهوم و ساختار بیماری هلندی

عنوان بیماری هلندی نخستین بار از اواسط دهه ۱۹۷۰ وارد ادبیات اقتصادی گردید. این بیماری حالتی از عملکرد ناصحیح اقتصادی است که اولین بار در دهه ۱۹۶۰ در

1. Dutch disease

اقتصاد هلند^۱ شناسایی گردید. همگام با کشف گاز طبیعی در هلند و کسب درآمدهای ارزی قابل ملاحظه در طی زمان منجر به تقویت ارزش واقعی نرخ برابری ارز (فلورن هلند) گردید (سالواتوره، ۱۳۸۳: ۱۰۳)، اما با تقویت تدریجی ارزش واقعی نرخ برابری ارز از قدرت نسبی رقابت سایر بخش‌های اقتصادی هلند کاسته می‌شد. کارشناسان اقتصادی زمانی به تشخیص بیماری هلندی پرداختند که در کنار بهبود تراز پرداختها و تقویت ارزش نرخ برابری ارز به‌عنوان علامت‌دهنده‌های مثبت اقتصادی، علامت‌دهنده‌های منفی اقتصادی آهسته‌آهسته با افزایش نرخ بیکاری افزایش تورم و کاهش نرخ رشد اقتصادی خودنمایی می‌کردند. بررسی کارشناسان اقتصادی منجر به شناسایی و معرفی بیماری هلندی گردید. ساز و کار بیماری هلندی اقتصاد دو بخشی شامل: الف) بخش کالاهای قابل تجارت و ب) بخش کالاهای غیرقابل تجارت می‌شود. از بخش کالاهای قابل تجارت و با جهش صادرات مواد معدنی با نرخ سود نسبی بالا آغاز می‌شود. افزایش درآمدهای ارزی و بهبود تراز پرداختها منجر به تقویت ارزش واقعی نرخ برابری ارز می‌شود. اما به دلیل نرخ سود نسبی بالا برای تجارت جدید تقویت ارزش واقعی نرخ برابری ارز با سرعت بیشتری اتفاق می‌افتد. تقویت پول ملی باعث تقلیل قدرت نسبی و غیررقابتی شدن بخشی از کالاهای قابل تجارت، کاهش صادرات غیرمعدنی و افزایش واردات غیرمعدنی می‌شود. اگرچه با گسترش تولید و صادرات مواد معدنی و افزایش واردات غیرمعدنی اشتغال در بخش کالاهای قابل تجارت کاهش و فرصت‌های شغلی کاهش می‌یابد، اما با کاهش صادرات غیرمعدنی در مجموع نرخ بیکاری در بخش کالاهای قابل تجارت روبه افزایش می‌گذارد، زیرا تولیدات معدنی نسبت به تولیدات غیرمعدنی سرمایه‌بر هستند و کاهش اشتغال در بخش تولیدات غیرمعدنی نمی‌تواند با افزایش اشتغال در بخش تولیدات معدنی جبران شود. افزون بر این ایجاد و تشدید دوگانگی در بازار کار منجر به دگرگونی ساختار بازار کار می‌شود. مهمترین تأثیر افزایش نقدینگی ناشی از صادرات مواد معدنی در

۱. بروز بیماری دارای سابقه‌ای دیرین است. مثلاً در قرن شانزدهم م و در دوران رونق اقتصادی اسپانیا و پرتغال.

بخش غیرقابل تجارت، افزایش قیمت‌هاست، زیرا بخشی از افزایش نقدینگی که وارد بخش غیرقابل تجارت می‌شود، طرف عرضه را تقویت می‌کند. این در حالی است که به علت طبیعت کالاهای غیرقابل تجارت معمولاً، طرف عرضه نمی‌تواند خود را با طرف تقاضا مطابقت دهد. شدت فشار تقاضا با توجه به شرایط موجود شدت تورم را رقم می‌زند. کاهش قدرت نسبی و نرخ سود در بخش قابل تجارت منجر به کاهش سرمایه‌گذاری می‌شود. همچنین در بلندمدت تورم در بخش غیرقابل تجارت به‌عنوان عامل ضد برنامه‌ریزی نیز سبب کاهش سرمایه‌گذاری می‌شود. کاهش سرمایه‌گذاری در دو بخش قابل تجارت و غیرقابل تجارت منجر به کاهش نرخ رشد اقتصادی می‌شود (همان‌طور که در اقتصاد هلند رخ داد). البته کاهش نرخ رشد اقتصادی به‌عنوان یک پدیده منفی برای تمام اقتصادهای مبتلا به بیماری هلندی به ظهور نمی‌رسد. مقیاس یک اقتصاد و سهم درآمدهای ارزی ناشی از صادرات مواد معدنی جهت و مقدار تغییر نرخ رشد اقتصادی شرایط بیماری هلندی را مشخص می‌کند.

همچنان که ورود یک باکتری یا ویروس مضر به درون بدن منجر به مرض یا بیماری می‌شود، ورود درآمدهای ارزی ناشی از جهش صادرات مواد معدنی نیز منجر به بیماری هلندی می‌شود. با ساختاری مشابه همان‌طور که مرضی مدت مدیدی در بدن بیمار جای می‌گیرد، در طبقه امراض مزمن^۱ قرار داده می‌شود، ابتلای بلندمدت یک اقتصاد به بیماری هلندی سبب شکل مزمن این بیماری می‌گردد. بیماری اقتصادی ایران نیز به علت مؤانست طولانی با درآمدهای نفتی ساختاری مزمن یافته است، به همین سبب آثار و علایم و نحوه پرهیز و درمان بیماری اقتصادی ایران با یک بیماری هلندی ساده تفاوت دارد.

سازوکار بیماری هلندی در اقتصاد ایران

به شهادت تاریخ اغلب سیاست‌گران ایرانی مبنای فلسفه قراردادهای و تحولات در حوزه نفت را بر توسعه و آبادانی قرار می‌دادند و نقش ویژه‌ای برای دولت قایل می‌شدند. به همین سبب اندیشه‌های دولتمردان منهای مردم به شکل نهادینه و ساختارمند در فکر و

1. Chronic

جان انسان ایرانی جای می‌گیرد. از سوی دیگر با ظهور آثار منفی درآمدهای نفتی (بیماری هلندی) وظایف ذاتی حاکمان کمرنگ می‌شود و دولت خود را با دغدغه‌های متأثر از باز توزیع درآمدهای نفتی مواجه و گاهی سرگرم می‌کند. اعتقاد و باورمند بودن سیاستگران ایرانی به تأثیرگذاری عمیقاً مثبت درآمدهای نفتی در توسعه اقتصادی، علی‌رغم تبعات گوناگون در کوتاه‌مدت چه کارکرد تاریخی در اقتصاد ایران پدید آورده است؟ در این بخش تلاش می‌شود یک الگوی نظری بنیادین اقتصادی و در عین حال ساده برای تبیین عملکرد تاریخی اقتصاد ایران ارائه شود تا امکان برون‌رفت از بیماری مزمن اقتصاد ایران با رویکرد به بازار کار و اشتغال به دست آید. الگوی اقتصاد ایران با پذیرش دولت با اولویت وظیفه مرسوم (کلاسیک) ایجاد امنیت اقتصادی از طریق تعریف، اجرا و نظارت حقوق مالکیت آغاز می‌شود. به‌عنوان کارگردان حوزه حقوق مالکیت در کنار بازیگران سنتی و بازار مبادرت به استقرار کارآمد قواعد بازی در اجتماع می‌کند. در عین حال دولت به‌عنوان بزرگترین نهاد ساز مخارج خود را از طریق وصول انواع مالیات دریافت می‌کند. دولت با پاسخگویی در مورد نحوه کارکرد خود به جامعه، مورد قضاوت عمومی قرار می‌گیرد. نسبت دادن نمره مردودی منجر به جانشینی دولت نوین می‌گردد. تا ناکارآمدی دولت گذشته اصلاح شود.

کشف نفت و پذیرش مالکیت دولت بر منابع و درآمدهای نفتی به تدریج موجب استقلال نسبی دولت در بعد مالی (دولت رانت‌خوار) از مردم می‌گردد. در عین حال ظهور بیماری هلندی موجب کاهش بازده اقتصادی در بخش‌های سنتی قابل تجارت (کشاورزی و صنعت) و از میان رفتن برخی از فرصت‌های شغلی می‌شود. اعتراضات مدام مشاغل در معرض خطر موجب پذیرش حمایتگری بیشتر دولت از سوی سنت و بازار می‌گردد. پذیرش حمایتگری دولت در حالی که دولت در طی زمان استقلال مالی بیشتری می‌یابد، منجر به ناکارآمدی بیشتر چارچوب حقوق مالکیت در بخش‌های تعریف، اجرا و حتی نظارت می‌شود. زیرا از یک‌سو بخشی از چارچوب حقوق مالکیت که سنت و بازار به شکل کارآمد حفظ می‌کردند با تضعیف جایگاه آنها به سمت ناکارآمدی سوق می‌یابد. از دیگر سو به سبب استقلال مالی دولت استقرار دولتهای کارآمدتر به علت پاسخگویی کمتر دولت با دشواری‌های بیشتری همراه می‌گردد (نظری و علوی، ۱۳۸۶: ۲۴۴). و دولت امکان می‌یابد، نسبت به انجام وظایف

مرسوم خود کوتاهی کند. تکرار این فرایند در طی زمان موجب استقرار حقوق مالکیت ناکارآمد و از میان رفتن بسیاری از مشاغل و تخصص‌ها می‌شود. براساس شواهد تاریخی اقتصاد ایران فرایند استقرار تدریجی حقوق مالکیت ناکارآمد از کشف نفت در ایران افزون از ۱۰۰ سال می‌گذرد و سیاست دولت برای جبران بخشی از خسارتهای شغلی منتج به استقرار فرهنگ تقسیم و تسهیم درآمدهای نفتی (رانت‌جویی و رانت‌خواری) از سوی نهاد نهادساز دولت گردیده است. در عین حال در نبود نقش و عملکرد مطلوب سنت و بازار (اتاق‌های بازرگانی، صنایع و معادن و تعاون و مجمع امور اصناف و اتحادیه‌ها) در استقرار حقوق مالکیت کارآمد دولت برای فهم و مهار تأثیرات منفی ورود درآمدهای نفتی (به‌طور ویژه تورم) به کمک ابزارهای غیراقتصادی به «تولیدکنندگان بی‌انصاف» اعلان جنگ می‌دهد. ایجاد خشونت دولت برای مهار تأثیرات منفی ورود درآمدهای نفتی ضمن تضعیف عقلانیت و ضرورت در استقرار حقوق مالکیت کارآمد و نهادینه شدن اندیشه‌های بیمارگونه در اقتصاد ایران موجب گسترش بیشتر رانت، رانت‌جویی و رانت‌خواری در کنار دولت رانتیر می‌گردد. استفاده از درآمدهای نفتی مشابه به‌کارگیری چند دز مرفین برای تسکین درد است. هنگامی که مصرف مرفین در طولانی‌مدت ادامه یابد، خود تبدیل به دردی می‌شود و مسکنی دیگر می‌باید یافت. بدین جهت معمای اقتصادی ایران با استفاده از دو کلید در بخش‌های نفتی و غیرنفتی جست‌وجو می‌شود.

مدیریت راهبردی درآمدهای نفتی (توسعه پایدار)

توسعه اقتصادی فرهنگی و اجتماعی پایدار یا به‌طور خلاصه توسعه پایدار در یک تعریف عبارت از فرایندی است که طی آن مبانی علمی و فنی تولید به شکلی درون‌زا از وضعیت سنتی به وضعیت مدرن متحول شوند، به شرطی که به توسعه نسل‌های آینده لطمه‌ای وارد نسازد. در توسعه پایدار علاوه بر برنامه‌ریزی بلندمدت تمام دارایی‌ها (اقتصادی، انسانی و اجتماعی) مقدار کلی آنها نیز مرتب افزایش می‌یابد (نظری و علوی، ۱۳۸۶: ۲۳۶) بدین منظور در اقتصاد ایران تغییر نگرش درآمدی به نگاه سرمایه‌ای (ثروت) در مورد نفت ابتدایی‌ترین قدم برای نیل به توسعه پایدار است. به دیگر سخن در ایران فلسفه توسعه اقتصادی مبتنی بر تولید ثروت آگاهانه (علم و آگاهی)

مغلوب توسعه اقتصادی نفتی، مبتنی بر تولید ثروت جاهلانه، بوده است. بدین جهت سیاست‌های دوره گذار اقتصادی به اقتصاد غیرنفتی از اهمیت و اولویت بالاتری برخوردار است. از تبیین ویژگیها و مزایای یک اقتصاد بدون نفت به طوری که بتواند متضمن گسترش و پایداری مشاغل به خصوص در بخش صنعت شود، از اهمیت و اولویت بالاتری برخوردار است. با وجود این برخی از شواهد تاریخی اقتصاد ایران نشان می‌دهد نظریه اقتصاد بدون نفت با جبهه‌ای قدرتمند از نیروها برای دریافت درآمدهای نفتی به منظور رشد و توسعه اقتصادی تا امروز مواجه است.

۱. نقش دولت در مدیریت راهبردی درآمدهای نفتی

برنامه توسعه‌ای (پایدار) اقتصاد ایران از طریق بازتعریف وظیفه و حیطه قدرت دولت در ارتباط با حقوق مالکیت و ارتقای جایگاه و اولویت این وظیفه در صدر وظایف دولت (وظایف مرسوم) و جدا نمودن تدریجی درآمدهای نفتی از بودجه دولت انجام می‌پذیرد. با بهبود جایگاه حقوق مالکیت فعالیت بنگاهها به ویژه در بخش غیرنفتی توجیه اقتصادی می‌یابد و همزمان نیاز دولت به منابع مالی به تدریج از مالیاتها تأمین می‌شود. گسترش فعالیتها در بخش غیرنفتی موجب تغییر ساختار بازار کار در جهت ارتقای سرمایه انسانی (تحصیل و تجربه) و کارایی (نوآوری، اختراع و اکتشاف) می‌گردد.

۲. نقش بازار و سنت در مدیریت راهبردی درآمدهای نفتی

راهکارهای مدیریت راهبردی درآمدهای نفتی مستلزم همکاری مبتنی بر منافع متقابل دولت با بازار و سنت است.

با توجه به نبودن راه میان‌بر برای دستیابی به توسعه پایدار اقتصادی دو راهکار ارائه می‌شود. در راهکار اول مقدمات نهادی - قانونی و در راهکار دوم مقدمات سازمانی - اجرایی طرح می‌گردد. علاوه بر این با پذیرش احتمال جانشینی گاز یا سایر مواد معدنی به جای نفت راهکارهای راهبردی با لحاظ وابستگی‌های جدید در آینده ارائه می‌شود.

الف) مقدمات نهادی - قانونی

۱. تبدیل رؤیای شیرین کسب درآمدهای نفتی به کابوس درآمدهای نفتی در فرهنگ و اندیشه انسان ایرانی.
۲. قرار دادن و پذیرش نهاد کار و تلاش به جای راه‌حل‌های کوتاه‌مدت و میان‌بر به‌طوری که نقش نفت از یک بازیگر اساسی در اقتصاد ایران محو گردد.
۳. حذف متغیر تصمیم‌ساز «دولت حمایتگر» از تابع تصمیم‌گیری بخش خصوصی و سایر گارگزاران اقتصادی دولتی و غیردولتی.
۴. کاهش همبستگی معنادار بین نفت و محبوبیت سیاسی از نظر عدم تمرکز و تغییر اشتیاق سیاستگران به نفت و درآمدهای نفتی.
۵. ایجاد ادبیات اقتصادی کارآمد به‌طوری که اقتصاد بدون نفت یک فلسفه اقتصادی تجملاتی غیرضروری تعبیر نشود.
۶. گنجاندن مفاد قانونی در چشم‌انداز کشور برای الزام کاهش سهم درآمدهای غیرمالیاتی دولت (اجرای برنامه پاک نمودن بودجه دولت از درآمدهای غیرمالیاتی) در بودجه عمومی.

ب) مقدمات سازمانی - اجرایی

۱. افزایش آموزش عمومی در کنار منابع آگاهی‌دهنده برای تبیین نقش ضد ارزشی و گمراه‌کننده نفت در راه رسیدن به توسعه پایدار اقتصادی (فریب نفت)
۲. تأسیس اتاق فکر و مراکز هم‌اندیشی متشکل از نمایندگان اتاق‌های بازرگانی، صنایع و معادن و تعاون و مجمع امور اصناف و اتحادیه‌ها، به‌طوری که سیاستهای اقتصادی دولت با تعامل با اتاق فکر و به‌منظور کاهش تصدی‌گری دولت صورت گیرد.
۳. فراهم شدن ابتدایی‌ترین امکانات (مسکن، غذا، امکانات تحصیلی و پزشکی) از طریق درآمدهای مالیاتی، تا فرهنگ تقاضا برای درآمدهای نفتی به‌تدریج تعدیل می‌شود.
۴. عقد قراردادهای خارجی برای سرمایه‌گذاری در داخل و خارج از کشور به‌طوری که صرفاً تأمین منابع پولی و نیروی کار از سوی ایران باشد و خرید عوامل تولید غیر از نیروی کار از خارج از مرزهای ایران صورت پذیرد.

نتیجه‌گیری

اقتصاد نیروی کار از یک‌سو دربارهٔ چگونگی گزینش فرصت‌های شغلی از طرف مردم دور می‌زند و از سوی دیگر به عوامل مؤثر بر خلق فرصت‌های شغلی توجه می‌نماید. در این میان نقش دولت در کنار سایر کارگزاران اقتصادی به جهت فراهم نمودن بستر کارآمد برای ایجاد مشاغل دائمی از طریق تعریف و تضمین حقوق مالکیت بنیادین می‌باشد. در ایران علاوه بر تحلیل‌های حوزهٔ اقتصاد کار، نحوهٔ رفتار و عملکرد سیاستگران با وجود موهبت نفت نیازمند بازشناسی است. بر طبق شواهد تاریخی، به‌طور نسبی خواست و ارادهٔ حاکمان ایران‌زمین از کسب و صرف درآمدهای نفتی در توسعه و آبادی مشهود است. اما این نگاه ترقی‌جویانه به شیوه‌های مختلفی عملیاتی شده است. به‌عنوان مثال می‌توان به تفاوت نگاه سیاست محمد رضا پهلوی در بهره‌گیری از نفت به‌عنوان ابزار قدرت منطقه‌ای در اوپک و حتی در صحنهٔ سیاست بین‌الملل و حرکت پرشتاب در مسیر صنعتی شدن و تلقی زمامداران پس از انقلاب در بهره‌برداری از نفت به‌عنوان ابزار سیاست خارجی و سیاست‌های متفاوت تولید، حداقل در سالهای اولیهٔ پس از پیروزی انقلاب اشاره کرد. بازیابی و تأمل در مورد اهداف آنها با استفاده از آگاهی‌ها و داشته‌های علمی نوین با هدف آموزندگی و در عین حال رفع موانع امروزی ضروری می‌نماید. شناخت پارادکس خواست و ارادهٔ توسعه‌طلبی سیاستگران ایران‌زمین در کنار تبیین بیماری هلندی و طرح الگوی توضیح‌دهنده در مورد ساز و کار بیماری هلندی در اقتصاد ایران امکان ارائهٔ رهیافتی برای بهبود و ارتقای اشتغال و قواعد بازار کار فراهم می‌نماید. گرایش دولتهای با پشتوانه درآمدهای نفتی برای اعمال سیاست‌های اقتصادی حمایت‌گرانه از تولیدات صنعتی و کشاورزی متکی بر فناوریهای برون‌زا در کنار گسترش بخش خدمات منجر به تغییر ساختار بازار کار می‌گردد. در گسترهٔ زمانی میان مدت (۴ تا ۷ ساله) با بروز بیکاری در بخش قابل تجارت و تورم در بخش غیرقابل تجارت آثار بیماری هلندی هویدا می‌شود. علاوه بر آثار عیان بیکاری و تورم ابتلای مزمن و بلندمدت به بیماری هلندی، وظیفهٔ اساسی دولت در تعریف و تضمین حقوق مالکیت را مخدوش می‌نماید. به‌طوری که ایجاد فرصت‌های شغلی دائمی به علت کاهش ضریب امنیت اقتصادی - اثر ثانوی بیماری هلندی - مرتب سیر نزولی می‌پیماید. تغییر نگرش از «درآمدی» به «سرمایه‌ای» در مورد موهبت نفت، آغازی برای تبدیل آثار

زیانبخش به آثار سودبخش اقتصاد نفتی است. کاهش تدریجی وابستگی دولت‌ها به درآمدهای نفتی ایجاد نگاه سرمایه‌ای به منابع نفتی، ایجاد فرهنگ کار در مقابل فرهنگ رانتی و تقویت شبکه‌های اجتماعی موجود (اتاق‌های بازرگانی، صنایع و معادن و تعاون و مجمع امور اصناف و اتحادیه‌ها) و ایجاد شبکه‌های اجتماعی نوین (اتاق فکر و مراکز هم‌اندیشی) به‌عنوان بخشی از شبکه تعریف و تضمین حقوق مالکیت کارآمد می‌تواند ضامن ایجاد فرصت‌های شغلی دائمی به‌منظور توسعه پایدار اقتصادی باشد.

منابع

۱. آبراهامیان، یرواند. ۱۳۸۰، *ایران بین دو انقلاب: درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران معاصر*، ترجمه احمد گل محمدی و محمد ابراهیم فتاحی و لیلایی، نشر نی، تهران، چاپ ششم.
۲. بهنود، مسعود. ۱۳۷۸، *ما می‌مانیم: مجموعه مقالات دهه هفتاد خورشیدی*، نشر علم، تهران، چاپ دوم.
۳. رابرتز، پال. ۱۳۸۶، *پایان نفت در آستانه جهان پرمخاطره نو*، ترجمه احمد عظیمی، بلوریان، تهران، معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی، مرکز مدارک علیم، موزه و انتشارات، چاپ اول.
۴. رزاقی، ابراهیم. ۱۳۷۶، *آشنایی با اقتصاد ایران*، نشر نی، تهران، چاپ اول.
۵. سالواتوره، دومینیک. ۱۳۸۳، *مالیه بین‌الملل: نظریه‌ها و سیاستهای اقتصاد بین‌الملل*، ترجمه حمیدرضا ارباب، نشر نی، تهران، چاپ دوم.
۶. عظیمی، حسین. ۱۳۷۸، *ایران امروز در آینه مباحث توسعه: برای حل بحرانهای کوتاه‌مدت و بلندمدت اقتصادی کشور چه می‌توان کرد؟*، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، چاپ اول.
۷. فرشادگهر، ناصر. ۱۳۸۱، *سیری در قراردادهای نفتی ایران*، پژوهشکده امور اقتصادی، تهران، چاپ اول.
۸. فوران، جان. ۱۳۸۰، *مقاومت شکننده تاریخ تحولات اجتماعی ایران از سال ۱۵۰۰ میلادی مطابق با ۱۷۹ هجری تا انقلاب*، ترجمه احمد تدین، نشر مرکز، تهران، چاپ سوم.
۹. کاتوزیان، محمدعلی همایون. ۱۳۷۴، *اقتصاد سیاسی ایران از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی*، ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، نشر مرکز، تهران، چاپ پنجم.

۱۰. کینزر، استیون. ۱۳۸۳، همه مردان شاه از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تا ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، ترجمه لطف‌الله میثمی، صمدیه، تهران، چاپ اول.
۱۱. لارسون، توماس و دیوید اسکیدمور. ۱۳۸۳، اقتصاد سیاسی بین‌الملل: تلاش برای کسب قدرت و ثروت، ترجمه احمد ساعی و مهدی تقوی، نشر قومس، تهران، چاپ سوم.
۱۲. موسوی، میرطیب. ۱۳۸۴، مسائل سیاسی اقتصادی جهانی نفت، نشر مردم‌سالاری، تهران، چاپ اول.
۱۳. نظری، علی‌اکبر و هومن علوی. ۱۳۸۶، اقتصاد کلان، کنکاش دانش، مشهد، چاپ اول.
۱۴. نورث، داگلاس. ۱۳۷۹، ساختار و دگرگونی در تاریخ اقتصادی، ترجمه غلامرضا آزاد (ارمکی)، نشر نی، تهران، چاپ اول.

“Iran’s oil and political Economy” (A case study of social paradox about oil)

Mohammad Sharifi, PHD candidate, university professor at shahreza azad university

Abstract:

In twenty century ; which is called the neo-colonization period ; the policy of industrialized and colonialist countries for capturing the national wealth and sources of under-development countries, was established based on the usage of political, economical and military tools in order to change the economy of mentioned countries in to a one-crop economy, and by making their economy dependent to only one product ; in necessary case ; control those countries by applying the economic pressure and use their sources for having the reasonable material and fuel for their own countries permanently.

In Iran ; oil has been played such a role, over the past decades.

Historical evidence of Iran’s economy reveals that the politician’s want and will for making a change in oil area ; results in economic and social developments in past and present time. But, such a progressive will has been came in to operation in different ways. As an example; we can pointtothe difference between the mohammad reza pahlavi’s political view in exploiting of oil as a regional power tool in opec and even in international political scene and fast paced movement in industrialized rout and the political taking after Islamic revolution in exploiting of oil as a tool for foreign policy and different production policies ; at least at the very beginning years after Islamic vevolution.

Iran’s economy suffering form Nether landish disease is the direct result of earning and spending of oil incomes. Changing attitude from income to capitalized about oil; is the commence of altering harmful effects of oil-driven economy in to the useful ones.

Keywords: Duteh disease – Property rights – Political economy I RAN Oil economy.